خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۲ اسفند ۱۳۹۴ . ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۹۸

محمدولی خان تنکابنی
(۱۳۰۵-۱۲۲۵ هـ.ش)

مشهور به «سپهدار اعظم»، ملّاک معروف منطقه گیلان و مازندران و سپس حکمران این منطقه بود. او ابتدا جزو طرفداران استبداد بود اما با تغییر شرایط، به دفاع از مشروطه پرداخت. محمدولی خان یکی از فاتحان تهران پس از استبداد صغیر بود. او ۵ دوره رئیس الوزرا شد. محمدولی خان از دشمنان قسم‌خورده نهضت جنگل بود و تمام تلاش خود را برای نابودی آن به کار بست.

پاورقی

گروه های چپ در ایران (بخش ششم)

تحلیل های نادرست

در قسمت قبل، به چگونگی حمله اعضای گروه چریک‌های فدایی خلق به پاسگاه سیاهکل اشاره کردیم. «صفایی فراهانی»، بعدها درباره چگونگی وقوع این ماجرا در برگه‌های بازجویی خود نوشت: «در حمله به پاسگاه، دچار آشفتگی بودیم. اولاً، ماشین خراب بود و ثانیاً، فکر می کردیم که در پاسگاه با مقاومت روبه‌رو می شویم زیرا امکان داشت، هادی بنده‌خدا لنگرودی، هنوز در پاسگاه باشد.» ظاهراً این آشفتگی ریشه در مسائل دیگری داشت. واقعیت آن بود که افراد گروه گمان می کردند در پی این اقدام مسلحانه، مورد حمایت اهالی منطقه قرار خواهند گرفت و پس از آن، می‌توانند قدرت خود را توسعه دهند و حتی رژیم پهلوی را سرنگون کنند. این خیال‌پردازی‌ها که در بیشتر گروه‌های چپ معتقد به فعالیت‌های مسلحانه وجود داشت، چریک‌ها را گرفتار مخمصه‌ای کرد که نتوانستند از آن جان سالم به در ببرند.

■ فرار به درون جنگل

اعضای گروه، پس از خلع سلاح پاسگاه، خود را به خودرویی که به زور گرفته بودند رساندند، اما خودرو روشن نشد و ناچار شدند آن را تا بیرون شهر سیاهکل هُل بدهند. این کار، هم توان اعضای گروه را گرفت و هم وقت آنها را تلف کرد. به همین دلیل، «صفایی فراهانی» فرمان توقف عملیات را داد. آنها مدتی داخل جنگل مخفی شدند و سپس، تصمیم گرفتند به اعماق جنگل بگریزند و راهی برای فرار بیابند، اما مجروح بودن «هوشنگ نیری»، سرعت آنها را کند می کرد. به این ترتیب، عملیات سیاهکل، بدون حصول هیچ نتیجه‌ای، به پایان رسید. در تهران، شاه پس از اطلاع از واقعه سیاهکل، دستور داد چند فروند بالگرد و هشتاد کماندو، برای پشتیبانی هنگ ژاندارمری گیلان، در اختیار «اویسی»، فرمانده کل ژاندارمری، قرار دهند. به این ترتیب، نیروهای ژاندارمری و کماندوها، از روز ۲۱ بهمن ماه، عملیات تعقیب چریک‌ها را آغاز کردند. این در حالی بود که اعضای گروه از عملیات گسترده‌ای که برای پیدا کردن و بازداشت آنها سازماندهی شده بود، اطلاعی نداشتند. به همین دلیل، به سمت منطقه‌ای کوهستانی در شرق سیاهکل، به نام «تبرین» حرکت کردند تا در آنجا کمی استراحت کنند، اما انبارهای ذخیره مواد غذایی آنها در منطقه، شناسایی و تخلیه شده بود.

■ درگیری با مردم

با مشاهده این وضعیت، «صفایی فراهانی» و «جلیل انفرادی»، «هوشنگ نیری» را که زخمی شده بود، به سمت دهکده «چهل‌ستون» بردند و به زور از مردم روستا، مکان و غذا خواستند. این اقدام باعث حساسیت مردم نسبت به رفتار آنها شد و در نهایت توسط تعدادی از اهالی روستا دستگیر و به ژاندارمری تحویل داده شدند. «مهرعلی نوروزی» یکی از اهالی روستا که در این واقعه هدف گلوله چریک‌ها قرار گرفت، بعدها در بازجویی‌های اداره دادرسی نیروهای مسلح، اظهار کرد: «من در منزل بودم. ساعت ۷ عصر بود که سه نفر آمدند به منزل برادر بزرگم، میرزا علی و گفتند می‌خواهیم شام بخوریم. میرزا علی گفت: ما چیزی نداریم به شما بدهیم. آنها گفتند: هر طور شده امشب باید به ما شام بدهید. برادرم ما را صدا کرد و گفت: بیایید و ببینید این آقایان چه کاره‌اند؟ دیدیم آنها دارند به زور وارد خانه می‌شوند و غذا طلب می کنند. هر طور بود غذایی تهیه کردیم و نزد آنها بردیم، چای بعد از شام را که خوردند، ساعت ۱۲ شب بود، گفتند می خواهیم برویم، باید یکی از شما همراه ما بیاید و ما را راهنمایی کند. گفتیم: مگر شما چه کاره هستید که می خواهید این طور فرار کنید؟ گفتند: به شما مربوط نیست. خواستند تندی کنند که تصمیم گرفتیم هر طور شده آنها را بگیریم و تحویل ژاندارمری بدهیم. به همین دلیل، چند نفری بر سرشان ریختیم و دست و پایشان را بستیم، اما یکی از آنها شلیک کرد و من مجروح شدم.» وقوع این اتفاقات نشان می دهد که با وجود ادعای کمک به مردم و ژست‌های نوع‌دوستانه، چریک‌های فدایی خلق تحلیل و درک درستی از شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران نداشتند.

به مناسبت سالروز وقوع کودتای سیاه

انگلیسی‌ها چگونه رضاخان را به قدرت رساندند؟

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

کودتای سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ باعث تغییرات عمده‌ای در ایران شد. این کودتا مقدمه‌ای برای قدرت گرفتن رضاخان و در نهایت، رسیدن وی به مقام سلطنت بود؛ رویدادی که تأثیرات عمیقی بر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بر جای گذاشت. اسناد، مدارک و خاطرات به جامانده از فعالان سیاسی آن دوران، تقریباً شکی در نقش انگلیسی‌ها در وقوع کودتای سوم اسفند باقی نمی گذارد. نگاهی به وقایع تاریخی و رویدادهای سیاسی و اجتماعی آن عصر، نشان می دهد که چرا و چگونه انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی در ایران ایجاد کنند.

■ اوضاع کشور در آستانه کودتا

وضعیت سیاسی ایران در پایان سال ۱۹۲۰ م(۱۲۹۹ ش) بسیار پیچیده و بحرانی بود. افزون بر حضور بیگانگان در شمال، جنوب و غرب کشور، آتش درگیری‌های متعدد، به علل سیاسی و اقتصادی، در اقصی نقاط کشور شعله‌ور بود. در عرصه سیاسی میان دموکرات‌ها، که رویکردی تند و تجدیدنظرطلبانه داشتند و اعتدالیون که در پی تغییر تدریجی با توجه به سنت‌ها بودند، کشمکشی دائمی و بی نتیجه ادامه داشت. وقوع انقلاب ۱۹۱۷ م در روسیه و روی کار آمدن کمونیست‌ها، تا حدودی شرایط موازنه قدرت در ایران را تحت‌تأثیر قرار داد. «یرواند آبراهامیان» در کتاب «ایران، بین دو انقلاب» می نویسد: «زمانی که امپراتوری تزاری سرنگون شد و نیروهای آن در آذربایجان از هم پاشید، سازمان‌های سیاسی دوباره در ایران سر برآوردند. بنا به گفته وزیر مختار انگلیس، دموکرات‌ها دوباره در تهران جان گرفتند.

اولین قدم انقلاب این بود که به فرقه افراطی دموکرات در تهران اجازه داد تا بیشتر، قدرت پیشین خود را بازیابد.» فروپاشی روسیه تزاری، به گسترش برخی جنبش‌ها، مانند نهضت جنگل در گیلان نیز کمک شایانی کرد. آن‌ها پس از سال‌ها مبارزه با روس‌ها و عواملشان می توانستند، برای مدتی، اهداف خود را در منطقه و حتی سراسر کشور پیگیری کنند.

با این حال، وقوع انقلاب در روسیه همان قدر که بر تعاملات سیاسی میان احزاب و گروه‌های ایرانی تأثیر گذار بود، باعث جلب توجه انگلیسی‌ها و تلاش مضاعف آن‌ها برای کسب منافع بیشتر در ایران، هم شد. برخی مورخان، عدم موفقیت انگلیسی‌ها را در به دست آوردن امتیاز قرارداد ۱۹۱۹ عامل اصلی رویکرد جدید آن‌ها در قبال ایران می دانند. به نوشته آبراهامیان، «مطابق این پیمان، انگلیس متعهد شده بود که وامی به مبلغ ۲ میلیون پوند در اختیار ایران بگذارد و در ایجاد راه‌آهن، تجدید نظر در تعرفه‌ها و گردآوری غرامت جنگی از اشخاص ثالث به ایران کمک کند. در مقابل، ایران نیز واگذاری امتیاز انحصاری تأمین سلاح، آموزش نظامیان و مشاوران اداری را به انگلیس وعده داده بود.» با این حال، این موارد تمام مفاد قرارداد را تشکیل نمی داد.

انگلیس خواستار کسب امتیازات نامحدودی بود که عملاً ایران را به مستعمره این کشور تبدیل می کرد. ظاهراً متن این قرارداد آن قدر با منافع ملی در تضاد بود که حتی انگلوفیل‌ترین سیاستمداران ایران هم حاضر به تأیید آن نشدند. وقتی محتوای قرارداد در سطح بین‌المللی منتشر شد و به‌ورسای، محل برگزاری کنفرانس صلح رسید، خبرنگاری آمریکایی نوشت: «هنگامی که مفاد قرارداد برای همگان آشکار شد، دریافتند که قیّمی غیر رسمی برای ایران پیدا شده و در واقع وسعت امپراتوری انگلیس فزونی یافته است.» انگلیسی‌ها فقط نگران عدم پذیرش قرارداد از سوی مجلس شورای ملی نبودند. خطر بلشویک‌ها، که به تازگی قدرت را در روسیه تصاحب کرده بودند و شعارهایی مبتنی بر برابری، آزادی و دفاع از طبقه کارگر، در مناطق شمالی ایران، به‌ویژه آذربایجان و گیلان، منتشر می کردند، سبب وحشت انگلیسی‌ها از به خطر افتادن منافعشان در ایران شده بود. بحران حاکم بر کشور، باعث تغییر پیاپی کابینه‌ها می‌شد. «وثوق‌الدوله»، واسطه عقد قرارداد ۱۹۱۹، در تابستان ۱۲۹۹ ش مجبور به استعفا شد. پس از او «سپهدار تنکابنی» مأمور تشکیل کابینه شد؛ اما او نیز نتوانست بر مشکلات فائق آید. به نوشته «سیدجلال‌الدین مدنی»، در کتاب «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، «برای تزلزل حکومت سپهدار به همه اتباع انگلیس دستور داده شد خاک ایران را ترک کنند. به علاوه، بانک شاهنشاهی اعلام داشت به زودی همه مبادله پول ایرانی متوقف می شود و به طور ساختگی ارزش اسکناس ایران را پایین آورد.» «مدنی» معتقد است، هدف این رویکرد ساقط کردن حکومت «سپهدار» و روی کار آوردن «رضاخان» بود. دلیل «مدنی» برای اثبات این مسئله، انتخاب «رضاخان» به فرماندهی دیویزیون قزاق، پیش از تلاش انگلیسی‌ها برای ساقط کردن حکومت «سپهدار تنکابنی» است. با چنین شرایطی، «سپهدار» هم مدت چندانی دوام نیاورد و جای خود را به «مشیرالدوله» داد. ظاهراً در همین زمان بود که طرح کودتا، برای روی کار آمدن دولتی متمایل به انگلیس ریخته شد.

■ رضاخان، فرمانده قزاق‌ها می‌شود

«حسین مکی»، در کتاب «تاریخ ۲۰ ساله ایران» معتقد است چهار نفر برای انجام کودتا در نظر گرفته شده بودند: «سردار اسعد بختیاری»، «سالار جنگ»، «نصرت‌الدوله» و «سیدضیاءالدین طباطبایی یزدی». نیروی نظامی برای انجام این کودتا توسط انگلیسی‌ها تأمین شد. قزاق‌ها که پس از فروپاشی امپراتوری روسیه تزاری، عملاً فرماندهی منظمی نداشتند و در بلاتکلیفی و بحران مالی به سر می بردند، با حمایت مالی انگلیسی‌ها دوباره انتظام پیدا کردند. با این حال، فرماندهی قشون قزاق هنوز بر عهده یک سرهنگ روس به نام «استاروسلسکی» بود. «آیرون ساید» در خاطراتش، نحوه دور زدن «استاروسلسکی» و این که چگونه «احمدشاه» در نتیجه فعالیت جاسوسان انگلیسی به «استاروسلسکی» بدبین شده و او را از کار بر کنار کرده بود، شرح داده است. «آیرون ساید» تأکید می کند که او طرح و برنامه کودتا را برای «رضاخان» شرح داده و به او گفته است که «اقدام قهرآمیزی برای سرنگون کردن شاه صورت ندهد و به دیگران هم اجازه و امکان چنان اقدامی را ندهد...» «آیرون ساید» می افزاید: «[رضاخان] به من قول داد که به خواسته‌های من عمل کند. با این شیوه، گام نخست برای محروم کردن «احمدشاه» از حمایت قشون قزاق برداشته شد. مجلس «سردار همایون» را به عنوان رئیس قشون قزاق تعیین کرد، اما او شانس چندانی برای موفقیت در اداره قشون نداشت و همین مسئله باعث نارضایتی قزاق‌ها می شد. «سرهنگ اسمایس»، افسر انگلیسی، که پس از حمایت مالی انگلیس از قزاق‌ها به قشون آن‌ها پیوسته بود، زمینه را برای مرخصی طولانی «سردار همایون» فراهم کرد و در غیاب او، رضاخان که مورد حمایت کامل انگلیسی‌ها بود، به فرماندهی رسید. «آیرون ساید» در خاطراتش می نویسد: «با رضاخان گفت و گویی داشتم-۱۲ فوریه ۱۹۲۱ (۲۳ بهمن ۱۲۹۹)- و او را به فرماندهی مطلق قزاق‌های ایران گمارد م... در حضور اسمایس گفت‌وشنودی طولانی با رضا داشتم.» با فرماندهی «رضاخان» بر قشون قزاق، مشکل تأمین نیروهای نظامی کودتا تا حدود زیادی رفع شد.

■ کمیته‌زرگنده، مقرر هبران سیاسی کودتا

همزمان با تأمین «رضاخان»، رهبر سیاسی کودتا نیز تعیین شد. ظاهراً، انگلیسی‌ها، در میان ۴ نفری که «حسین مکی» از آن‌ها به عنوان نامزدهای اجرای بخش سیاسی کودتا نام می برد، «سیدضیاءالدین طباطبایی» را برگزیدند. از قرائن این گونه بر می آید که تا پیش از رسیدن قوای قزاق به تهران، میان «رضاخان» و «سیدضیاء» مذاکره‌ای درباره کودتا انجام نگرفته بود. «یرواند آبراهامیان» در کتابش می نویسد: «رضاخان هنگامی که به تهران رسید با افسران ژاندارمری و روزنامه‌نگار جوانی به نام سیدضیاء طباطبایی، به صورت پنهانی ملاقات می کند. سید ضیاء... مورد اعتماد مأمورین نظامی انگلیس بود، چون روزنامه «رعد» او در زمان جنگ از انگلیس پشتیبانی کرده بود.» «آبراهامیان»، در عین حال توضیحی درباره «کمیته زرگنده» ارائه نمی کند؛ کمیته‌ای موسوم به «آهن و فولاد»، مرکب از «سیدضیاءالدین طباطبایی»، «محمود خان مدیرالملک (محمود جم)»، «مسعود خان سرهنگ (مسعود کیهان)»، «منوچهرخان طبیب»، «میرزا کریم خان گیلانی (میرزا کریم رشتی)» و «یحیی دولت آبادی» (رئیس فرقه زلی در ایران). «دولت آبادی» در خاطراتش، «حیات یحیی»، می نویسد: «کمیته زرگنده مرکز سیاست انگلیس است در تهران، در قسمتی که باید به دست ایرانیان انجام بگیرد.» «حسین فردوست» هم در خاطراتش بر این باور است که «میرزا کریم خان رشتی» به رضاخان نزدیک شده بود و به نوعی تعلیمات سیاسی به وی را بر عهده داشت. با هماهنگی «کمیته زرگنده» و حمایت سفارت انگلیس، پول لازم در اختیار «سیدضیاء» قرار گرفت و او این پول را میان سربازان قزاق همراه «رضاخان» تقسیم کرد.

■ اجرای کودتا

اجرا کردن بقیه نقشه چندان مشکل نبود. «حسن اعظام قدسی» (اعظام الوزاره) در خاطرات خود، ماجرای هیئتی را که با «رضاخان»، پیش از تصرف تهران، دیدار کرد، آورده و نوشته است: «این هیئت عبارت بود از ادیب السلطنه نماینده رئیس الوزرا، معین الملک، نماینده دربار و کلنل هایک، نماینده وزیر مختار سفارت انگلیس و نماینده آیرون ساید. بنا به دستور سران کودتا هیئت را به کلبه‌ای مخروبه در مهرآباد بردند و خود به مشورت پرداختند و سپس رضاخان به عنوان فرمانده قزاق به کلبه رفته، خود را معرفی کرد و متن نطقی را که ابوالقاسم کاکاوند برایش نوشته بود، خواند و سپس رهبر سیاسی کودتا، سیدضیاء وارد می شود و شیپور حمله و حرکت به سوی تهران نواخته می گردد و به همین سادگی! تهران فتح می شود!» روایت «اعظام الوزاره» نشان می دهد که رضاخان، اصولاً تا پیش از ورود به ماجرای کودتا، برای بسیاری از رجال پایتخت شناخته شده نبود. به هر حال، قزاق‌ها روز سوم اسفند وارد تهران شدند و تا ظهر روز چهارم اسفند ماه کنترل تمام نقاط پایتخت را در اختیار گرفتند. «احمدشاه» ناچار شد به «سرهنگ رضاخان»، لقب «سردار سپه» اعطا کند و به تعدادی از افسران انگلیسی حاضر در قشون وی، نشان درجه یک همایون بدهد. به این ترتیب، روند تصاحب سلطنت توسط «رضاخان» آغاز شد؛ روندی آهسته، ولی بی‌وقفه، که سرانجام به دیکتاتوری رضاخان میرپنج منتهی شد.

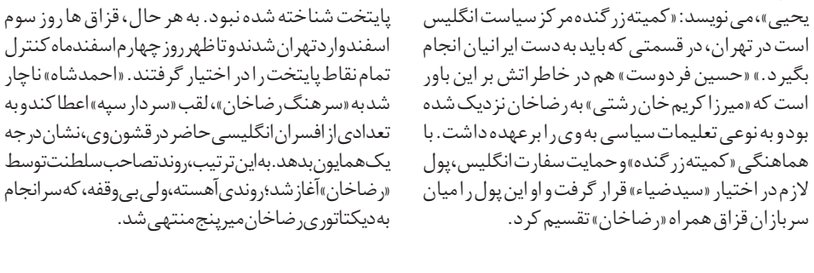

اعضای کابینه سیاه - نفر اول از سمت چپ رضا خان میر پنج است.

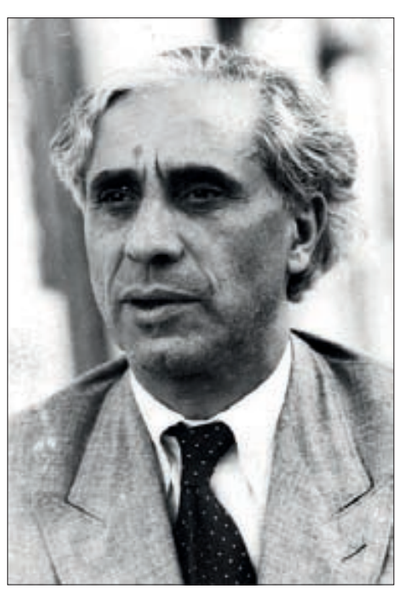

از سمت راست: «محمود جم»، «سید ضیاءالدین طباطبایی» و «یحیی دولت آبادی»؛ ۳ نفر از اعضای کمیته «زرگنده»

> «آیرون ساید» تأکید می کند که او طرح و برنامه کودتا را برای «رضاخان» شرح داده و به او گفته است که «اقدام قهرآمیزی برای سرنگون کردن شاه صورت ندهد و به دیگران هم اجازه و امکان چنان اقدامی را ندهد...» «آیرون ساید» می افزاید: «[رضاخان] به من قول داد که به خواسته‌های من عمل کند.» با این شیوه، گام نخست برای محروم کردن «احمدشاه» از حمایت قشون قزاق برداشته شد. مجلس «سردار همایون» را به عنوان رئیس قشون قزاق تعیین کرد، اما او شانس چندانی برای موفقیت در اداره قشون نداشت

زیباترین و به‌یادماندنی‌ترین سخنان مشاهیر
سخن بزرگان
در صفحه «همشهری سلام»

جناب آقای دکتر محمدعلی قره و بانو
ارتقاء آقای دکتر سهیل قره
را به مقام دانشیاری دانشگاه پیام نور
به شما تبریک عرض می کنیم.
ایمان دوست و بانو
دکتر صادق ایمان دوست و بانو
مهندس فرشاد ایمان دوست و بانو
مهندس محسن ایمان دوست
مهندس شکوهی و بانو
۹۴۴۸۰۹۰۹/ف

جناب آقای دکتر سهیل قره
ارتقاء جنابعالی را به مقام دانشیاری به شما
و همسر عزیزتان سرکار خانم دکتر رضوانی
تبریک می گوییم.
مهندس امیررضا بانکیان و بانو
بابک رجبی و بانو
۹۴۴۸۱۵۳۵/م

جناب آقای دکتر سهیل قره
ارتقاء جنابعالی را به مقام شامخ
دانشیاری تبریک عرض می نمایم. موفقیت روز افزون جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم.
مهندس سید رضا بدیعی
۹۴۴۸۰۶۴۹/م

شهردار گرامی
ریاست و اعضای محترم شورای شهر
و پرسنل زحمتکش شهرداری مُلک آباد
انتخاب این شهر توسط استانداری به عنوان یکی از شهرهای برتر استان را تبریک عرض می نمایم.
مصطفی جعفرزاده (شهرک نارنجستان)
۹۴۴۸۰۸۵۴/م

جناب آقای دکتر سهیل قره
ارتقاء جنابعالی به مقام دانشیاری دانشگاه را به شما و دوست عزیزمان هنگامه جان تبریک می گوییم.
دکتر شیرین توکلی زاده
دکتر الهام حاتمی- دکتر مریم صالحی
۹۴۴۸۱۵۳۳/م

جناب آقای دکتر سهیل قره
دانشیاریتان مبارک
جواد آرین منش
۹۴۴۸۱۴۸۷/ف

استاد گرامی
جناب آقای دکتر علیرضا تیمورتاش
ارتقای شایسته حضرتعالی را به مقام شامخ استادی صمیمانه تبریک عرض نموده، توفیق روزافزون جنابعالی را آرزومندیم.
محسن سلیمی
محمدجواد پوررزاقی
۹۴۴۷۹۱۷۲/ف

داماد عزیزمان
دکتر سهیل قره
ارتقاء شما را به مقام شامخ
دانشیاری دانشگاه
تبریک عرض نموده و از خداوند منان پیشرفت روزافزون شما را خواهانیم.
دکتر رضوانی و بانو
دکتر شهرزاد رضوانی
۹۴۴۸۱۳۱۷/ف

نورچشم عزیزم استاد
دکتر گودرز سهرابیان
کسوت فاخر استادی و عنوان دکترای عالی معماری و شهرسازی که پاداش سال ها تلاش و پژوهش و برخورداری از مکتب استاد مهندس خلیل سهرابیان بود مبارکت باشد
پدربزرگ محمد علی لطفی مقدم و خانواده های: جوادی، صفی آبادی غفاری و امیررضا لطفی مقدم
۹۴۴۷۸۷۱۳/ف

مادر عزیز و همسر گرامی
سرکارخانم دکتر افسون فضلی نژاد
ارتقاء به مقام
شامخ استادی قلب و عروق دانشگاه علوم پزشکی مشهد
را به شما تبریک می گوئیم.
آیدا غفارزادگان
یاشار غفارزادگان
کامران غفارزادگان
۹۴۴۸۱۱۴۱/ف

جناب آقای مهندس محمد عطایی

نیک اندیش گرامی
بی شک هر فعالیت نظام مند در جهت رسیدن به اهداف والا، شایسته و خردمندانه متعالی انسانی در گرو حضور و تلاش خردمندانه است. بدین وسیله کمال تشکر، امتنان و تقدیر خود را به پاس عطرافشانی افکار مهربانتان و مشارکت ارزشمندتان در جهت خدمت به نیازمندان به حضور ابراز می داریم.
برای جنابعالی توفیقات روزافزون از درگاه الهی مسئلت می نماییم.
سازمان مردم نهاد، موسسه خیریه نورالرضا(ع)
۹۴۴۸۰۸۹۸/م

آگهی تبریک اینترنتی
سفارش اینترنتی آگهی تبریک، تشکر در خراسان روزنامه صبح ایران
www.7010.ir/agahi
۹۴۴۷۸۹۲۰/ق